

# رقفای حزبی، نیروهای مترقی! پنج‌هفتمین سالگرد حزب کمونیست ایران را بر پا داریم! از قهرمانیهای مجاهدان کمونیست سر مشق گیریم

## ما به نام

# مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

### یادبود پنج‌هفتمین سالگرد حزب کمونیست ایران

بمناسبت پنج‌هفتمین سال تأسیس حزب کمونیست ایران (تیر ماه ۱۲۹۹) در عهده‌ای از واحد های حزبی در خارج از کشور جاسات یادبود با حضور رفقای حزبی و میهمانان خارجی تشکیل شد و در این جاسات سخنرانی هائی در اطراف تاریخ حزب کمونیست و زندگی قهرمانان و مجاهدان این حزب بعمل آمد. در یکی از این جلسات رفیق عبدالصمد کامبخش عضو هیئت دبیران کمیته مرکزی حزب توده ایران سخنرانی مشروحی در اطراف تاریخ مبارزات حزب کمونیست ایران ایراد کرد. متن این سخنرانی در مجله دنیا شماره دوم سال یازدهم دنیا انتشار خواهد یافت.



دکتر تقی ارانی از رهبران برجسته حزب کمونیست ایران



حیدر عمو افغانی از بنیاد گزاران برجسته حزب کمونیست ایران

مصاحبه رادیو پیک ایران با رفیق راد منش دبیر اول حزب توده ایران

## در باره برخی مسائل مهم کشور

سوال - رفیق رضا رادمنش حتماً شما مطالبی را که ارگانهای تبلیغاتی رژیم در این اواخر علیه حزب توده ایران مینویسند مطالعه کرده اید. چه عواملی موجب این تبلیغات وسیع ضد توده ای و ضد کمونیستی در کشور گردیده است؟  
پاسخ - تبلیغات پر دامنه بلند گویان رژیم درباره انقلاب باصطلاح سفید و سیاست باصطلاح مستقل ملی علیرغم انتظار گردانندگان آن نتوانسته است عده کثیری را فریب دهد. سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم، اقتصاد و سیاست میهن ما را با مشکلات گوناگونی روبرو ساخته است. زمامداران ایران با تسلیم به سیاست و اقتصاد نو استعماری امپریالیسم جهانی، با تعقیب راه رشد سرمایه داری در پیوند کامل با سرمایه های امپریالیستی، با ملیت‌پزاسیون همه جانبه رژیم و تشدید فشار و ترور علیه نیروهای ملی و دموکراتیک، خشم و غضب طبقات و قشرهای وسیع تازه ای از جامعه ما را علیه خود برانگیخته اند. زمامداران ایران سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک خود را زمانی با سرسختی تعقیب و تشدید میکنند که جنبش رهائی بخش ملی در خاور میانه بیش از پیش رونق مییابد. هنگامیکه نفوذ و اعتبار سیستم جهانی سوسیالیستی و در رأس آن اتحاد جماهیر شوروی بمثابة مهمترین پایگاه صلح و دموکراسی و سوسیالیسم و نیرومندترین مدافع حقوق خلقها، دائماً در افزایش است و موقعیت دنباله در صفحه ۲

## حزب توده ایران وارث معنوی حزب کمونیست ایران است

سیام خرداد ۱۳۴۹ پنج‌هفتمین سال از تأسیس حزب کمونیست ایران می گذرد و حزب توده ایران که خود را بحق وارث این حزب میداند، مراسم این سالگرد مهم را برپای میدارد. تاریخ سازمان انقلابی طبقه کارگر در واقع از حد این پنج‌هفتمین سال نیز تجاوز می کند. نخستین «مراکز غیبی» سوسیال دموکراسی انقلابی در کشور ما در اوایل جنبش مشروطیت تأسیس شد. ما پس سه دوران عمده تاریخ حزب طبقه کارگر در ایران یعنی دوران سوسیال دموکراسی انقلابی، دوران حزب کمونیست ایران، دوران حزب توده ایران) از هر جهت پیوند وجود دارد. بزرگترین مجاهد دوران سوسیال دموکراسی، حیدر خان عمو اغلو (افشار) بنیاد گزار حزب کمونیست ایران است. هم زمان دکتر تقی ارانی، آخرین شخصیت برجسته حزب کمونیست ایران، بنیاد گزاران حزب توده ایرانند. این پیوند تنها ناشی از این نیست که افراد واحدی در دورانهای سه گانه نقش داشته اند، بلکه همچنین و بویژه

## بحرین و سیاست دولت ایران

گزارش نماینده مخصوص اوتانت دبیر کل سازمان ملل متحد، در باره بحرین به تصویب شورای امنیت و مجلسین ایران رسید و بدین ترتیب یک معضل ۱۵۰ ساله با قبول استقلال بحرین حل شد. در ماههای اخیر در باره تصمیم دولت ایران در باره بحرین مطالب فراوان در مطبوعات ایران انتشار یافته است. روزنامه هائی هوادار رژیم و در رأس آنها اطلاعات سیاست ایران را در مورد بحرین یکی از

## کارزار تازه رژیم علیه نیروهای اپوزیسیون

دستگاه تبلیغاتی رژیم شاه جنجال تازه ای بر ضد اپوزیسیون انقلابی ایران و قبل از همه حزب توده ایران براف انداخته است؛ زمینه این جنجال را هم نامه های سیاوش یارسانژاد و پرویز نیکخواه، دو نفر از کسانی که زمانی به اپوزیسیون ضد رژیم وابستگی داشته اند، فراهم کرده است. با اینکه نه پدیده ضعف و تسلیم در برابر رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک ایران و نه سوء استفاده این رژیم از این پدیده بر ضد اپوزیسیون انقلابی ایران تازگی ندارد. با اینکه باید گفت، صرف نظر از اوضاع و احوالی که منجر به تهیه این دو نامه شده صرف نظر از عامل فشار روحی و انواع دیگر فشارها که رژیم به زندانیان سیاسی عموماً وارد میسازد، محتوی عینی نامه هائی که بنام یارسانژاد و نیکخواه در جریان ایران نشر یافته، حاکی از تسلیم طلبی و تأبیدشویه های رفرمیستی و نفی روش مبارزه انقلابی است. این یک نمونه مشخص تبدیل شعارهای ماوراء انقلابی به شعارهای اپورتونیستی است. تردیدی نیست که ضعف و ارتداد و تسلیم چنانکه تجارب گذشته نشان داده، برای همه گروهها و سازمانهای سیاسی اپوزیسیون، در درجه اول بملت وجود شکنجه حیوانی و سیاست «تازیان» و کوچک «ساواک» و رژیم رنج داده است. در عین حال این نکته نیز دنباله در صفحه ۶

# درباره برخی مسائل مهم کشور

دنباله از صفحه ۱

امپریالیسم جهانی بویژه امپریالیسم امریکا این ژاندارم بین المللی، در بسیاری از کشورهای این منطقه متزلزل گردیده است و رژیمهای ارتجاعی در جهان عرب یکی پس از دیگری فرو میریزند و نیروهای ملی و دموکراتیک جانشین آنها میگرددند.

هیئت حاکمه ایران و در رأس آن شاه از آنجائیکه در وجود و فعالیت حزب ما که علیرغم کلیه مشکلات، پیگیری و استواری خود را در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع به ثبوت رسانده است، بالقوه خطری بزرگ علیه خود احساس مینماید، با الهام از تبلیغات عنان گسیخته ضد کمونیستی امپریالیسم جهانی که در این اواخر شدت و دامنه وسیعی یافته است، سعی میکنند علاوه بر تعقیبها و جسها و شکنجه های حیوانی و اعدامهای گروهبی که از ماهیت رژیم وی سرچشمه میگردد، با شکستن مهر سکوت و افزایش تبلیغات ضد توده ای و ضد کمونیستی، افکار عمومی را از مبارزه و از جلوه صحت ارزیابی های حزب ما منحرف سازد. چنانکه می بینیم گردانندگان ماشین تبلیغاتی رژیم در این راه به تبعیت از استادان خارجی خود از بکار بردن زشت ترین شیوه های تبلیغاتی علیه حزب ما ابائی ندارند.

سؤال - از توضیحاتیکه دادید خیلی متشکریم. از آنجائیکه در این باره لبه تیز پورش مطبوعات متوجه شخص شما در باره باصطلاح ملاقات با تیمور بختیار است، خواهشمندیم برای شنوندگان ما توضیحاتی در این زمینه بدهید.

پاسخ - ناتوانی بلند گویان رژیم در عرصه منطق و استدلال در مبارزه علیه حزب ما آنها را بر آن داشته است به پیروی از گویان دروغهای هرچه بزرگتر اختراع کنند و از این طریق به یک مبارزه روانی شدیدی علیه حزب ما دست بزنند و با انتشار اراجیف سراپا دروغ افکار عمومی را از واقعیت زشتی که سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک رژیم بوجود آورده است منحرف سازند. دبیرخانه کمیته مرکزی حزب ما در اطلاعیه های خود اخبار ساخته و پرداخته سازمان امنیت شاه را که روزنامه هائی نظیر اطلاعات، کیهان، آیندگان و خواندنیها منتشر کرده اند، بموقع خود تکذیب کرده است. معینا لازم میدانم یکبار دیگر تأکید کنم که هیچگونه همکاری مابین حزب ما و تیمور بختیار وجود نداشته و نمیتواند داشته باشد. اینجانب نه تنها با بختیار ملاقات نکرده ام بلکه باید عرض کنم که من در تمام عمر خود حتی یکبار هم بختیار را ندیده ام، من با نام بختیار برای نخستین بار در موقعی که گروه گروه از افسران میهن پرست اعضا حزب ما، بفرمان شاه به میدانهای تیر روانه میشدند و دهها و صد ها نفر از اعضا و فعالین حزب ما در زیر شکنجه های حیوانی سازمان امنیت بختیار ضجه میکشیدند، با

لیت را در مبارزه با استعمار و حفظ صلح و امنیت این منطقه دارد. ولی معلوم نیست که آقای هویدا با کدام استعمار در این ناحیه میخواهد مبارزه کند. امریکا و انگلستان که با شیوه های استعماری نوین جهانی را غارت میکنند و تنها سود خالص سالیانه آنان از منافع نفتی خلیج فارس به چهار تا پنج میلیارد دلار میرسد، سازماندهندگان اصلی تحولات و صف بندی هائی هستند که با شرکت شاه و فیصل در خلیج در حال تکوین است.

سراسر مصاحبه اخیر شاه با مخبر سیاسی روزنامه «تایمز» از وجود توافق کامل بین انگلستان و ایران در این ناحیه حکایت میکند. در مصاحبه مزبور شاه رسماً اظهار عقیده مینماید که «پس از خروج نیروهای بریتانیا از این منطقه وجود و شخصیت بریتانیا حفظ و تحکیم خواهد گردید.» حتی شاه تأکید میکند که «هیچگونه اعتراض به استقرار نیروهای بریتانیا در حوالی این منطقه یعنی خلیج فارس برای حفاظت جزیره مسیره و فرودگاه سلاله در خاک مسقط ندارد. ژوزف سیکومشاور عالیترتبه بریتانیا در مسائل خاورمیانه نیز در مصاحبه خود در تهران از «تفاهم دو جانبه و هدفهای مشترک» ما بین ایران و ایالات متحده امریکا در این منطقه سخن میگوید. باین ترتیب معلوم میشود که در قاموس آقای هویدا استعمار معنای دیگری کسب کرده است. البته آقای هویدا با گزارشی که در سال ۱۹۶۹ - یعنی خیلی پیش از نطق اخیرشان در مجلس و همچنین قبل از مصاحبه اخیر شاه با مخبر سیاسی روزنامه «تایمز» تحت عنوان «خلیج-عواقب خروج انگلستان» - از طرف کمیته تحقیق مسائل استراتژیک و بین المللی در واشنگتن انتشار یافته است، بموقع خود آشنائی یافته اند. در گزارش مزبور از جمله میخوانیم که: «باید پایه گاههای نظامی انگلستان در بحرین، مسیره و سلاله حفظ گردد. بجاست که فدراسیون شیخ نشینها با پیوستن حتی بحرین به فدراسیون تشکیل گردد.» همچنین در این گزارش که از جانب مهمترین متخصصین مسائل استراتژیک توصیه شده است، انگلستان باید با فدراسیون شیخ نشینهای عربی «قرار-داد جدید دفاعی منعقد نماید که احتمال پیاده کردن تفکدکاران انگلیسی و استفاده از پایگاههای زمینی را در شیخ نشینها شامل باشد».

اینها تنها چند نکته از گزارش نامبرده است. گزارش مزبور نماینده اصلی توطئه ای است که با حک و اصلاحاتی در خلیج فارس اجرا میگردد. آقای هویدا ورهبر و پیشوا-یشان از بازیگران عمده آنند. معذک آقای هویدا مطمئن باشند که توطئه مزبور مانند توطئه های دیگر امپریالیستی در این منطقه محکوم بشکست است.

سؤال - حالا اجازه دهید آخرین سؤال هیئت تحریریه را مطرح سازیم. چه پدیده های نوینی در رشد فعلی اقتصادی ایران بعقیده شما جلب نظر میکند؟

پاسخ - سیاست اقتصادی رژیم بطور

عمده در جهت افزایش نفوذ سرمایه های امپریالیستی و در آمیختن منافع سرمایه های مزبور با منافع سرمایه داران داخلی و تقویت هرچه بیشتر بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی سیر میکند. محتوی سیاست مزبور تسریع رشد مناسبات سرمایه داری در شهر ها و روستاهاست. هم اکنون علیرغم لاف و گزاف های بلند گویان رژیم آثار سوء سیاست مزبور در شئون مختلف اقتصاد کشور بچشم میخورد. تورم بر اثر افزایش ناموزون حجم اسکناس، ترقی هزینه زندگی، بالا رفتن قیمت دلار نسبت به ریال، انتشار اوراق قرضه داخلی و اخذ وامهای کوتاه و طول مدت خارجی با سود های کلان، عمیق شدن دائم عدم تناسب صادرات و واردات مظاهری چند از وضع ناهنجاریست که در اقتصاد کشور حکمفرماست.

بودجه ۴۰۶ میلیارد ریالی سال ۱۳۴۹ کشور که بظاهر متعادل و با سلام و صلوات بتصویب مجلسین شهنشاه رسیده است پایه در آمد های غیر واقعی تنظیم شده است و علاوه از همین بودجه ساختگی هم طبق ارقام بودجه اقل ۷۰ میلیارد ریال آن از اعتبارات بانکی و اوراق قرضه داخلی و وام های خارجی تأمین خواهد گردید. مهمتر از همه افزایش قریب پنجاه درصد بودجه ارتش و سازمانهای باصطلاح انتظامی است که میزان کل بودجه مزبور را برقم یک میلیارد دلار یعنی تقریباً معادل تمام عایدات ارزی نفت میرساند و اقتصاد کشور را در سال جدید با مشکلات غیر قابل حل روبرو خواهد ساخت. از پدیده های جدید در اقتصاد کشور سیاست اقتصادی تازه ایست که آقای انصاری وزیر جدید اقتصاد اعلام داشته اند که در واقع چرخش قهرائی و فاجعه ای در اقتصاد کشور باید تلقی نمود. آقای انصاری بجای اتخاذ تدابیر فوری و ضروری، سیاستی بختیار میکنند که نه تنها دردی از دردهای اقتصادی کشور را درمان نخواهد نمود، بعکس بر حدت و شدت مشکلات موجود برانب خواهد افزود. مضمون عمده سیاست جدید اقتصادی آقای انصاری تسلیم بلا شرط در برابر بخش خصوصی است. سیاست اقتصادی مزبور درست در هنگامی اتخاذ میشود که در عده کثیری از کشورهای در حال رشد بعکس بخش دولتی در برابر بخش خصوصی تقویت میگردد. بانک ها و مؤسسات بزرگ صنعتی و بازرگانی ملی میشوند و میدان عمل بخش دولتی گسترش می یابد. سیاست اقتصادی مزبور تنها بود سرمایه داران بزرگ داخلی و سرمایه های خارجی است که با سرمایه های داخلی در آمیخته اند وزیر ماسک بخش خصوصی خود را پنهان ساخته اند. پدیده مضربگر اقتصادی که در این روزها همه شاهد و ناظر آنیم هجوم گروه کثیری از سرمایه داران بزرگ آمریکائی بایران و تشکیل کنسرسیومی از آنان برای سرمایه گذاری در مؤسسات توریستی، در حمل و نقل، در سوپر مارکت های تازه، در مراکز کشت و صنعت است، تنها نتیجه این قبیل سرمایه گذاریها سود کلان

دنباله در صفحه ۷

## در باره مصاحبه اخیر شاه

در خرداد ماه ۱۳۴۹ (مه ۱۹۷۰) خبرنگاران رادیو-تلویزیون فرانسه با شاه ایران مصاحبه‌ای کرده‌اند که در همان موقع پخش شد و متن آن در مطبوعات ایران نشر یافت. این مصاحبه ایست طولانی. خبرنگاران درباره مطالب متنوعی از شاه سؤالات کردند و شاه که مطابق قانون اساسی «غیرمسئول» است، بعنوان سخنگوی مطلق و مختار دولت ایران، اظهار نظر کرد. ما در باره مسائل مختلف این مصاحبه طی مقالات گوناگون ماهنامه «مردم» نقطه نظر حزب را بوقوع خود توضیح داده‌ایم و لذا در این مسائل وارد بحث نمی‌شویم. منظور ما در اینجا تنها پرداختن به برخی از نکات مصاحبه است که بویژه سیاست داخلی رژیم و رفتار رژیم نسبت به ایوزیسیون و از آنجمله بحزب توده ایران ارتباط دارد.

تصمیمات زیر و رو کننده»

یکی از تم‌های مورد علاقه شاه، که هر وقت فرصتی بیابد در اطراف آن داد سخن میدهد، تم «انقلاب» است. در مصاحبه مورد بحث نیز شاه این مطلب را فراموش نمی‌کند و مدعی است که برای «دگرگون ساختن چهره کشور در مدت زمانی کوتاه و حتی الامکان با سرعت هر چه تمامتر» دست به اتخاذ «تصمیمات زیر و رو کننده‌ای» زده است. «انقلاب اساسی» او بدون خونریزی بوده، «نفرت طبقاتی» را بر نیانگخته و بدون «اردوگاه‌های کار اجباری و تبعیدها و تیرباران کردن‌ها» تحقق یافته است.

شاه ایران و نمایان رژیم او از انقلاب دم میزنند ولی معلوم نیست این انقلاب «زیر و رو کننده» که «چهره کشور را در مدت زمانی کوتاه و حتی الامکان با سرعت هر چه تمامتر» دگرگون کرده و بقول شاه «فاطمه مردم ایران و خصوصاً دهقانان و کارگران و توده های بزرگ ملت را تمام نیروی ایمان خود!» در پشت سر شاه قرار داده است، چیست و کجاست؟ آیا رژیم استبداد سلطنتی و قدرت و ثروت شاهزادگان و والا گوهران در ایران خزانته یافته است؟ آیا سازمان دوزخی «ساواک» با بیش از ۵۰ هزار جاسوس و دسته گاه‌های شکنجه خود منحل شده است؟ آیا حقوق و آزادیهای دموکراتیک در ایران تحقق پذیرفته است؟ آیا دست امیربالیستها از نفت، از ارتش، از بانکها، از صنایع، از بازرگانی خارجی ما کوتاه شده و ایران از زیر دامهای کمرشکن رهائی یافته است؟ آیا زمینداران بزرگ دیگر در ایران وجود ندارند؟ آیا دهقانان بی زمین و کم زمین در ایران بصاحبان زمین مبدل شده‌اند؟ آیا سرمایه داران وابسته به امیربالیسم دیگر در ایران گرم استعمار کارگران و زحمتکشانشان نیستند؟ آیا قش‌های ثروتمند در عین قدرت اقتصادی صاحب قدرت سیاسی نیستند؟ آیا فقر سیاه و بسوادای عمومی ریشه کن شده؟ آیا ایران از پیمان سنتو خارج شده و مستشاران

انقلاب زیر و رو کننده‌ای شده، فاطمه ملت بویژه کارگران و دهقانان آنهم «با تمام نیروی ایمان خود» پشت سر شاه ایستاده اند، اگر کسی هم با شاه و رژیمش مخالفت کند همه کس او را بیاد مسخره خواهد گرفت و مستعمی برای خود نخواهد یافت و حنایش رنگی نخواهد داشت و نقاب چهره‌اش دریده خواهد شد.

حال این سؤال پیش می‌آید: اگر چنین است چرا اعلیحضرت نمیکنند این افرادی مستمع آزادانه حرفشان را بزنند و تا دلشان میخواهد مسخره بشوند و اعلیحضرت از منظره تفریح کنند؟ چرا اعلیحضرت باتکاء صوفوف فشرده ملیونی کارگر و دهقان در پشت سر خود، این چند گمراه را نمی‌گذارد حزب و روزنامه علنی داشته باشد؟ چرا آنها را دسته دسته اعدام میکند، شکنجه می‌کند؟ چرا از گرفتن نامه‌های اعتراف و نفرت زورکی و بضرب شکنجه از آنها خوشحال میشود و آنها را برخ عالمیان میکشد؟

حتماً علتش آنست که شاه با تراکت نخواهد کسی حرفی بزند که مستمع نداشته و حنایش بی رنگ باشد. لذا او را فوراً تیرباران میکند تا مبادا مردم مسخره‌اش کنند!

### تقصیر قانون است نه تقصیر شاه!

پس از این درهای شاهوار، شاه در پاسخ این سؤال خبرنگاران دایر بر آنکه: «همین محافل که دشمنان رژیم شما هستند، غالباً برای اثبات فقدان آزادی یا یک زندگی کاملاً دموکراتیک در ایران، نمونه حزب توده را مثال می‌آورند» میگوید: «بله، ولی ما این را هیچوقت پنهان نکرده‌ایم تنها کسانی که (توجه بفرمائید: می‌گویند تنها کسانی که در این زمینه در ایران مورد تعقیب دادگستری (دقت بفرمائید: می‌گویند دادگستری) قرار می‌گیرند کمونیست‌ها هستند. زیرا رژیم اشتراکی در کشور ما غیر قانونی است» و زنهار باش میدهد که: «بازداشت و غیر قانونی بودن فعالیت این افراد در کشور ما تا هنگامیکه قانون در این زمینه عوض شود، ادامه خواهد یافت».

در این بیانات شاه چندین نوع جعل و مغلطه و دروغ وجود دارد که برای غور در اعماق آن باید مطالب را از هم تفکیک کرد: (۱) می‌گوید «تنها کسانی که در ایران تعقیب میشوند کمونیست‌ها هستند (و طبق سؤال خبرنگاران مقصود اعضاء حزب توده ایران است). این ادعا دروغ است. در ایران هر مخالف استبداد شاه مورد تعقیب غیر قانونی قرار می‌گیرد. از قبیل: آرامش سر لشکر قرنی، ارستجانی، بقائی، خلیل ملکی، فروهر، مهندس بازرگان، آیت‌اله خمینی، آیت‌اله سجایی، عده‌ای از یاران مصدق، گروهی از روحانیون، گروهی از افسران، جمعی از میهن پرستان کرد، عده روز افزونی از دانشجویان و غیره و غیره که نه کمونیست‌ها هستند نه عضو حزب توده ایران. بهیچوجه کمونیست‌ها «تنها کسانی» نیستند که تعقیب میشوند. فقط توده‌ایها مهمترین

بخش قربانیان رژیم، از تیرباران شده‌ها، تبعید شده‌ها زندانی شده‌ها را تشکیل میدهند زیرا پی گیرترین، فعالترین و مؤثرترین نیرو در میان نیروهای مخالف رژیمند.

(۲) می‌گوید این افراد مورد تعقیب دادگستری قرار می‌گیرند. دروغی از این آشکار تر ممکن نیست. در رژیم محمد رضا شاه به دادگستری ابداً و اصلاً اجازه رسیدگی به اتهامات داده نشده و دادگستری حتی یکبار هم جرأت دخالت در این امور نکرده است، در بست این پرونده‌های ساختگی و مجعول را دادگاههای در بسته و غیر صالح نظامی مورد «رسیدگی» قرار داده‌اند و تکلیف پرونده‌ها را نیز سازمان امنیت به سود شاه ممین میکنند. در ایران خود سری و بی قانونی بی آزر و علنی و بسیار خشن حکمروا است.

(۳) می‌گوید: کمونیست‌ها طبق قانون مربوط به رژیم اشتراکی مورد تعقیب هستند. در اینجا نیز دو مغلطه وجود دارد:

(الف) قانون مورد اشاره شاه، همان قانون مصوبه سال ۱۳۱۰ (که دکتر ارانی آنرا «قانون سیاه» نامیده) مدهاست پایه تعقیب کمونیست‌ها نیست زیرا حد اکثر مجازات زندان که در این قانون قید شده ده سال است ولی کمونیست‌ها را در ایران معمولاً تحت عنوان ساختگی «قیام و اقدام علیه حکومت مشروطه» به اعدام محکوم می‌کنند و محکوم کرده‌اند و محکومیت به حبس ابد امر عادی است. و گویا بهمین سبب است که فرح بهلولی قهرمان مبارزه با چاپلوسی (۱) در یکی از مصاحبه‌های مطبوعاتی گذشته خود با مجله «زو» چاپ آلمان غربی تحت عنوان «شوهرم، شاهنشاه» گفت: «شاه اصولاً دارای چنان روح با گذشت و پر عطفونتی است که نمیتواند مجازات کند» (ب) قانون مورد اشاره شاه پس از شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رژیم استبدادی رضا شاه از طرف مجلس و دولت عملاً و در موارد متعدد و بشکل مستمر بی اعتبار شناخته شد، زیرا همین حزب توده ایران که امروز عضویت در آن مشمول این قانون شناخته میشود در مجلس و دولت شرکت داشته و سازمانی علنی بوده است.

لذا خودتان قضاوت کنید که شاه در چند جمله چقدر مغلطه تعمدی گنجانده است نظیر آنکه می‌گفت: «حسن و حسین هر سه دختران معاویه را در بیرون دروازه کوفه سگ‌درید» که حسن نیست و حسین است و حسین نیست و حسین است و هر سه نیست و هر دو است و دختران نیستند و پسرانند و معاویه نیست و علی است و بیرون دروازه کوفه نیست بیرون دروازه کنعان است و سگ نیست و گرگ است. تازه همه این مطالب مربوط به یوسف پیغمبر است که خود این مسئله دریده شدن یوسف بوسیله گرگ هم از اصل دروغ بوده است.

## در باره لایحه قانون کار کشاورزی

بیست و سه سال پیش شاه وعده تهیه قانون کار کشاورزی داد. در تبصره ماده ۳۰ قانون کار مصوب ۲۸ اردیبهشت سال ۱۳۲۵ گفته میشود: «اداره کل کار با مشارکت وزارت کشاورزی آئین نامه مخصوصی جهت کارگران و مزدوران کشاورزی تهیه خواهد نمود.» سالیان دراز سپری شد و قانون کار سال ۱۳۲۵ که نمره مبارزات پر دامنه طبقه کارگر ایران به رهبری حزب توده ایران بود، در شرایط فشار و اختناق سالهای پس از کودتا منسوخ اعلام گردید و قانون کار جدیدی در سال ۱۳۳۷ بتصویب رسید که در حقیقت نسبت به قانون پیشین گامی بعقب بود. در ماده ۸ این قانون بار دیگر وعده سال ۱۳۲۵ تکرار شد که: «کارگران کشاورزی و خدمه و مستخدمین منازل تابع مقررات خاصی که بموجب قوانین جداگانه ای تعیین میشود خواهند بود.» ولی قانون جداگانه ای تهیه نشد، تا اکنون که پس از بیست و سه سال لایحه قانون کار کشاورزی تهیه شده و قرار است برای تصویب به مجلس ارائه گردد. با آنکه قانون کار سال ۱۳۳۷ که خاص کارگران شاغل در شهرهاست نقائص فراوان دارد و بهیچوجه تأمین کننده منافع طبقه کارگر ایران نیست، ما قانون کار کشاورزی را با همین قانون ناقص مقایسه میکنیم تا روشن شود، چگونه حقوق زحمتکش ترین قشر روستائین بسود مالکان مورد اجحاف قرار گرفته است.

بموجب مواد ۱ و ۲ و ۳ و ۵ قانون، کارگر کشاورزی کسی است که بموجب قرارداد کار (منظور توافق کتبی یا شفاهی بین کارگر و کارفرماست) در مقابل دریافت مزد یا حقوق (اعم از وجه نقد، وجه نقد و کالا و یا فقط کالا) یک یا چند شغل از شاغل کشاورزی را (اعم از اینکه هر یک از این کارها با دست یا با ماشین انجام شود) در مدت معین یا نامحدود برای کارفرما انجام دهد. طبق تعریف فوق روشن است که منظور از کارگر کشاورزی تنها قشر کوچک کارگرانی که در زمینهای مکانیزه بکار مشغولند نیست، بلکه قانون با قشر انبوه بزرگان روستا نیز که فاقد زمین و سایر عوامل زراعتی هستند سر و کار دارد و تغییر کلمه «مالک» به «کارفرما» ماهیت استثمار وحشیانه بزرگان را بدست مالکان تغییر نمیدهد. این قشر عظیم از بی چیزترین و بی حقوقترین زحمتکشان روستاست که سالیان دراز بی آنکه قانون و مرجعی از او حمایت کند، آماج استثمار شدید ملاکان فئودال بوده و این نخستین قانون کار کشاورزی بجای آنکه بدافع از حقوق این زحمتکشان محروم برخیزد، استثمار قرون وسطایی گذشته را در بسیاری از موارد و از جمله ساعات کار و حد اقل دستمزد تثبیت نموده است. ابتدا ساعات کار کارگران کشاورزی را بررسی کنیم:

در ماده ۷ قانون، ساعات کار روزانه کارگران کشاورزی بر خلاف قانون کار و

کلیه قوانین کار بین المللی بجای ۸ ساعت، ۱۰ ساعت تعیین شده، کارگران کشاورزی از استفاده از یک روز تعطیل در هفته محرومند و حواله تعطیل هفتگی کارگران به آئین نامه ای داده شده که معلوم نیست کی و چه زمانی باید تدوین و تصویب گردد. تعیین کار ۸ ساعته روزانه از آنجهت است که هر انسانی حد اکثر پس از ۸ ساعت کار مداوم بدنی و یا فکری نیرویش تحلیل میرود و نیاز باستراحت دارد. اما در عرف زامسداران ایران کارگران کشاورزی، آدمهای ویژه ای هستند که باید روزانه ۱۰ ساعت تمام بکار شاق شخم و کشت و آبیاری و درو مشغول شوند و مضحک تر آنکه تعطیل روز جمعه هم نداشته باشند. حتی در مورد تعطیلات رسمی هم نسبت به کارگران کشاورزی تبعیض وجود دارد و با آنکه در قانون کار تعطیلات رسمی ۱۰ روز تعیین شده ولی کارگران کشاورزی فقط حق استفاده از ۸ روز تعطیل را دارند. مرخصی سالیانه کارگران کشاورزی نصف کارگران شهری است و در صورتیکه ۱۲ ماه متوالی کار کرده باشند فقط ۶ روز مرخصی با استفاده از مزد و یا حقوق بآنان داده میشود.

حد اقل دستمزد کارگران کشاورزی تعیین نشده است. در ماده ۱۵ قانون گفته میشود: «مادام که حد اقل مزد تصویب نگردیده، حد اقل مزد همان خواهد بود که بنا به عرف محل بکارگر ساده در بدو اشتغال پرداخت میگردد.» روشن است که عرف محل همان استثمار قرون وسطایی است که تمام ثمره کار کارگران کشاورزی را به جیب مالک میریزد. همین «عرف محل» است که طبق بازرسی گروه تحقیق مجله تحقیقات اقتصادی، چنانچه کارگر کشاورزی برای تمام سال اجیر شود، دستمزد سالیانه او حد اکثر از ۱۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ ریال تجاوز نخواهد کرد. (مجله تحقیقات اقتصادی شماره ۱۷ - ۱۸ بهار و تابستان سال ۱۳۴۸) و این مبلغ ناچیز یعنی مزد روزانه ۲۸ تا ۳۰ ریال برای یک خانواده حد اقل چهار تا پنج نفری. از یکسو دعای پر آب و تاب رژیم شاه در باره اینکه ایران را بقرن بجلو پرتاب نموده و در شمار کشورهای پیشرفته قرار داده است و از سوی دیگر گذران ناچیز و بخور و نمیر توده عظیم زحمتکشان!!

طبق قانون کار، بکارگماردن اطفالی که سن آنها کمتر از ۱۲ سال تمام باشد مجاز نیست، (ماده ۱۶) این ماده از قانون همواره مورد اعتراض شدید حزب ما بوده و کارگران از دولت خواسته ایم که حد اقل سن کار کودکان نباید از ۱۴ سال تمام کمتر تعیین شود. اما اکنون قانون کار کشاورزی پا را از آنهم فراتر نهاده و سن کار برای کودکان روستا را ۱۰ سال معین نموده است، (ماده ۱۲) با چنین توصیفی رژیم شاه ادعای اجرای قانون تعلیمات اجباری را دارد و گوش جهانیان را از مبارزات

مجدانه!! خود با یسوادگی کر کرده است. اگر قانون تعلیمات اجباری ۴ ساله هم در کشور اجرا میشد، طفل ۱۰ ساله نمیتوانست نیروی کار باشد، بلکه باید به تحصیل اشتغال ورزد. ولی چون قانون اجرا نمیشود و بر روی کاغذ میماند، دختران و پسران ۱۰ ساله روستا باید اجیر مالک و شرکتهای کشاورزی باشند و با ۱۰ ساعت کار روزانه جیب آنان را پر کنند. در قانون کار برای زنان و اطفال کوچکتر از ۱۸ سال کار شب و کارهای سخت و خطرناک منع شده است. ولی در قانون کار کشاورزی فقط زنان و اطفال کمتر از ۱۶ سال مشمول این استثناء هستند.

ماده ۱۸ قانون کار زنان باردار را از ۶ هفته قبل از زایمان تا ۴ هفته پس از زایمان از کار معاف میدارد. گو اینیکه برخلاف تمام موازین حقوقی و انسانی دستمزد دوران بارداری بزرگان کارگر پرداخت نمیشود ولی لاقط کارفرما در این دوران حق اخراج آنها را ندارد. اما در قانون کار کشاورزی هیچگونه مقرراتی برای زنان بار دار وجود ندارد. با توجه باینکه اکثریت زنان روستائی در کار کشت و زرع شرکت دارند و تعداد آنها بر مراتب بیش از زنان شاغل در شهرها است و با توجه به کار دشواری که انجام میدهند، ضرورت وضع مقررات خاص برای زنان باردار بیش از پیش احساس میشود. رژیم ایران که خود را آزاد کننده دهقانان، حامی کارگران و مدافع حقوق زنان اعلام میکند، این دم خروسها را چگونه پنهان میدارد؟

قانون کار کشاورزی به کارفرما حق میدهد با پرداخت یکماه مزد یا حقوق (چنانکه کارگر سه ماه متوالی و یا ۶ ماه متناوب در ۱۲ ماه قبل از فسخ قرارداد سابقه کار نزد کارفرما داشته باشد) قرار داد کار را فسخ کند و کارگر را اخراج نماید. واضح است که با وجود بیکاری پنهان در دهات ایران و وجود اضافه جمعیت روستائی، دست کارفرما همیشه باز است تا از میان انبوه کارگران و بزرگان، نیازمندترین آنان را با شرایط دلخواه خود برگزیند، زیرا قانون از حقوق کارگران و بزرگان هیچگونه حمایتی نمیکند.

توجه به شرایط کار کارگران کشاورزی نه تنها از آنجهت است که هم اکنون قشر انبوهی از بی حقوقترین زحمتکشان روستا را در بر میگردد و اجد کمال اهمیت است، بلکه از آنجهت نیز که با تشدید قشر بندی در روستای ایران براساس سیاست کشاورزی دولت و عدم تکفوی صنایع ایران برای جذب مهاجران روستا، بر تعداد کارگران کشاورزی روز بروز افزوده خواهد شد.

شکل خاص تولید کشاورزی و عدم تمرکز آن، تشکل کارگران کشاورزی را بدون تردید دشوار میکند ولی این بدانمعنی نیست که باید از مبارزات موضعی برای بهبود شرایط کار و زندگی خود دست بشویند. وظیفه طبقه کارگر ایران، دهقانان و عناصر

## اتحاد انقلابی جوانان جهان

هیئت اجراییه فدراسیون جهانی جوانان دمکرات از تاریخ ۱۶ تا ۲۱ ماه مه در شهر کاتویسه (جمهوری توده ای لهستان) جلسه سالیانه خود را تشکیل داد، سده نین هیئت و پنجمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم، مبارزه مردم و پیمان علیه متجاوزین امریکائی و برنامه عمل مشترک جوانان در سراسر جهان برای تقویت همبستگی و بیکار آنها علیه امپریالیسم و همچنین مسائل تشکیلاتی و برنامه کار آینده فدراسیون در دستور قرار داشت. انتخاب کاتویسه برای تشکیل این جلسه تصادفی نبود. نین از سال ۱۹۱۲ تا ۱۹۱۴ در این شهر و اطراف زندگی و فعالیت میکردند است و نمایندگان جوانان جهان توانستند از نزدیک با فعالیت نین و زندگیش از دوران کودکی تا زمانی که در رأس اولین حکومت کارگران و دهقانان قرار گرفت آشنا شوند.

جلسه پس از صدور قطعنامه های مختلف برای جلب بازهم بیشتر جوانان بصغوف مبارزان و تشدید بیکار خود علیه تجاوزات وحشیانه امپریالیستها به ویتنام، کامبوج و لائوس و کشور های عربی و همچنین ثرونازیستها و انتقامجویان آلمان غربی بکار خود خاتمه داد. نماینده جوانان توده ای ایران در نقاط خود جوانان جهان را با شرایط کار، زندگی و مبارزه جوانان کشور ما آشنا ساخت و از جمله گفت: (مبارزه علیه رژیم شاه که از پشتیبانی امپریالیستها برخوردار است و همراه با ترور و شکنجه مبارزان به مانور های عوام فریبانه و رفرمهای نیم بند دست میزند، دشواری های ویژه خود را دارد ولی جوانان مترقی ایران در این مبارزه تنها نیستند و از حمایت جوانان مترقی دمکرات سراسر جهان جوانان اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی برخوردارند.)

## اطلاعیه

اخیراً در اروپای غربی باز کسانی پیدا شده اند که مستقیم و یا غیر مستقیم خود را عضو و یا هوادار حزب توده ایران معرفی میکنند و رفتار و گفتار آنها از طرف دشمنان و مخالفان ما مورد سوء استفاده و ملاحق قضاوت درباره مشی حزب ما قرار میگیرند. در همانحال مخالفان و دشمنان حزب میل خود کسانی را عضو و نماینده حزب توده ایران معرفی میکنند و رفتار و گفتار اینگونه افراد را منعکس کننده مشی حزب توده ایران وانمود میسازند.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران بار دیگر صریحاً و اکیداً اعلام میکند که هیچگونه مسئولیتی درباره رفتار و گفتار هیچ فردی که بنحوی از انحاء خود را منتسب به حزب میسازد و یا وی را منتسب به حزب میسازد، ندارد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۹ خرداد ماه ۱۳۴۹

پیشرو است که به برادران هرزم خود در دنباله در صفحه ۵

## کودکان ویتنام



امریکاییسم آمریکا برای هر فرد ویت نام شمالی هفتصد تن بهب هدیه کرده است .  
مجموع بمبی که امریکاییها بر روی ویت نام شمالی ریخته اند دو برابر و نیم تمام بمبهای است که در جنگ دوم جهانی مصرف شده است و همه برای آنکه منظره هایی از این قبیل که در برابر ماست پدید آید !

## اخراج از حزب

امیر یآوری بناسبت انتشار جزوه ای که محتوی آن عبارت است از : تحریف آگاهانه واقعات و تاریخ حزب ، تحریف سیاست ملی و خط مشی انترناسیونالیستی حزب ، نشر اکاذیب و مجعولات در باره روابط حزب ما با احزاب برادر ، تخطئه خط مشی عمومی از جمله نفی مواد مرامنامه حزبی ، که نقض فاحش و آشکار مواد زیرین اساسنامه حزب است از حزب توده ایران اخراج میشود :

فصل ۲ بند الف از شرایط عضویت : قبول برنامه و مبارزه در راه تحقق بخشیدن به آن و تبعیت از اساسنامه حزب ؛

فصل ۴ بند ۵- از وظائف عضو حزب که باید ، مبلغ مرام و سیاست و خط مشی حزب باشد و برای تحقق آن بکوشد ؛

فصل ۴ بند ۳- که باید ، از هر عملی که مخالف حیثیت و اعتبار حزب و ارگانهای آن باشد بپرهیزد .

هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران

گسردید که شلک کودکانیکه به بیمارستانها مراجعه میکنند عارضه ای جز سوء تغذیه ندارند و از هر دو تن از این کودکان یک نفر قبل از آنکه دوران بستری بودن او به بانزده روز برسد تلف میشود و آنهایی هم که از مرگ رهایی میابند در شرایطی نیستند که افراد سالم و نیرومندی برای اجتماع باشند و در دوران فعالیت نمیتوانند استعداد و توانایی کامل و کافی از خود نشان دهند .  
او میافزاید :

« میزان کالری غذایی مردم ایران از استاندارد بین المللی کمتر و میزان پروتئین مصرفی مخصوصاً پروتئین حیوانی بسیار ناچیز است بعلاوه این کمبود است که در حال حاضر طبق بررسی هاییکه صورت گرفته است کودکان دبستانی ما ، با مقایسه با همسالان خود در کشورهای صنعتی و پیشرفته بیش از ۳ کیلو کمبود وزن و در حدود ۱۰ سانتیمتر کمبود قد دارند . . . »

در سال ۱۳۴۴ وزیر بهداشتی ایران اعتراف کرد که از هر ۱۰۰ کودک ایرانی ۶۰ کودک تا سن ۵ سالگی میمیرند . امروز نیز پزشکان وزارت بهداشتی اعتراف میکنند که هر سال دهها هزار کودک بر اثر سوء تغذیه ، بیماریهای سل ، سرخک ، حصبه ، مالاریا و سرماخوردگی تلف میشوند .

اشرف پهلوی اعتراف میکند : « ما هنوز نتوانسته ایم شرایط تحصیلی را برای تمام کودکان فراهم کنیم . » او میگوید : « هنوز یک میلیون و هفتصد هزار طفل واجد شرایط تحصیلی ب مدرسه نمیروند . از این عده پانصد هزار نفرشان در شهر ها زندگی میکنند و یک میلیون و دویست هزار نفرشان در روستا ها بسر میبرند . او ناگفته میگذارد : « طبق طرحها ، یکبار در دست داریم اگر ما بتوانیم تا ۵ سال دیگر تمام اطفال شهر نشین را ب مدرسه بفرستیم باز هم بامشاه ۶۰ درصد دیگری که در روستا ها زندگی میکنند دست بگریبان خواهیم بود . »

گل وجود کودکان ما در کارخانه ها ، در کارگاههای تاریک و مرطوب قالی بافی ، در دکانها ، در گل و لای کوچه ها میخشد روزنامه اطلاعات مینویسد : با تمام اقداماتی که برای جلوگیری از کار کودکان خرد سال بعمل آمده است هنوز در کارگاههای قالی بافی کرمان ، آذربایجان ، خراسان و کاشان ، در کارخانه های نساجی اصفهان ، در دکانها ، در کارگاههای کوچک ، در کارخانه های شیشه گری و چینی سازی دهها هزار کودک بین ۵ تا ۱۰ سال کار میکنند . دستمزدی که باین کارگران کوچک میدهند بین ۲ تا ۱۲ ریال است . ۴۰ درصد کودکان قالیباف دچار بیماری نومی هستند . ۲۰ درصد آنها هرگز دوره جوانی را نمیبینند . . . »

داستان زندگی کودک ایرانی داستان حزن انگیزی است . او از همان لحظه ای که چشم میبکشد با دنیای فقر ، جهل ، بیعدالتی ، دنباله در صفحه ۶

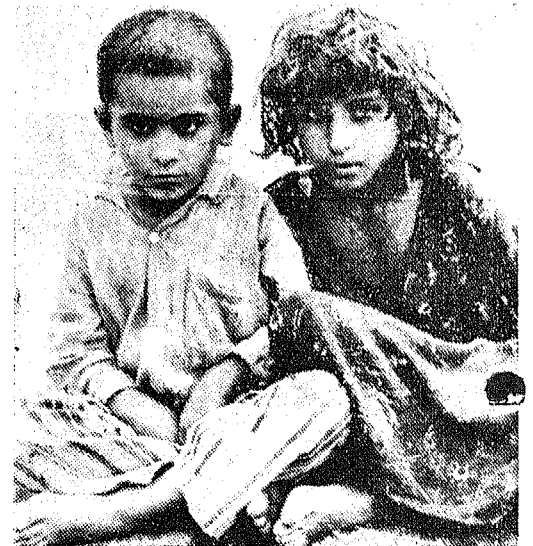
بناسبت اول ژوئن روز جهانی دفاع از کودک

## از کودکان خود دفاع کنیم

روز اول ژوئن روز بین المللی دفاع از کودک است ، هر سال در این روز در سراسر جهان مراسمی در دفاع از کودکان برگزار میشود . در همین ماه نیز تا قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روز کودک برگزار میشد ولی سالهاست که دیگر از کودکان و روزگار سیاه آنان صحبتی نیست . زندگی آنها در زندگی پر تجمل فرزندان شاه شلایه شده است . اگر صحبتی از کودکان بیامد تنها درباره آن چند کودکی است که در قصرهای سلطنتی ، در دامن پرستارهای بیستار داخلی و خارجی بسر میبرند .

سر نوشت کودکان ما ، گذران تلخ آنها ، موضوع آموزش و پرورش آنها در هیچ کانون و سازمان دولتی مطرح نیست . برای رژیم ایران مسئله ای بنام « مسئله کودک » وجود ندارد . اگر سخنی در این زمینه گفته میشود اتفاقی است . اگر گاهی در این جهت برداشته میشود ناچیز و تصادفی است .

مطبوعات نیز بر نوشت کودکان کمتر توجه دارند . دنیای کودکان برای آنها دنیایی است یکسانه ، دنیایی خالی از هیچان ! برای اکثریت آنها پرداختن بزندانگی « ولیعهد » و سه فرزند دیگر شاه از ترسیم زندگانی ناشاد میلیونها کودک ایرانی است چرا که بحث در باره « نبوغ » ولیعهد ، « شیرین زبانهای » فرحناز ، « خواب و خوراک » و « گربه های ملیح » لایلا اگر توجه مقامات معین را بامید روزنامه جلب نکند و راه ترقی او را نگشاید ، حد اقل این خاصیت را دارد که درد سر ایجاد نمیکند .



نگاه غمزه کودکان ما

در ایران آمار دقیق در باره مرگ و میر کودکان وجود ندارد . هیچکس ب مدرستی نمیداند چند در صد کودکان ما تحصیل میکنند . چند در صد در نیمه راه تحصیل میمانند . در کارخانه ها ، کارگاهها و دکانها چند کودک بکار مشغولند . تعداد کودکان بی سر پرست چقدر است . در این باره میتوان بسنجان یکی از فرستادگان وزارت کار به استان خوزستان اشاره کرد که گفته است : « مؤسسات خیریه برای آنکه پول بیشتری بگیرند تعداد کودکان بی سر پرست را همیشه بیش از آنچه هست صورت میدهند و کارگاههای فرش بافی و کارخانه هاییکه از نیروی کار کودکان استفاده میکنند همیشه تعداد آنها را کمتر مینویسند » با اینحال آماري که در دست است تا بلو حزن انگیزی از دنیای تاریک کودکان ما نشان میدهد .

رئیس انستیتوی خواروبار و تغذیه ایران در روزنامه کیهان مینویسد :

« بر طبق بررسی هاییکه در خوزستان ، لرستان ، آذربایجان غربی و شرقی ، فارس و منطقه قشقایی ، کرمان ، اصفهان ، یزد ، خراسان ، نواحی کویر ، گرگان و مازندران صورت گرفت معلوم

دنباله از صفحه ۴ در باره لایحه قانون کشاورزی

تجهیز و تشکل و مبارزه یاری دهند . و با هبستگی خود مانع شوند که حقوق کارگران کشاورزی اینچنین بی رحمانه دستخوش تجاوز قرار گیرد .

## از کودکان خود...

دنباله از صفحه ۵

نا برابری و ظلم روبرو میگردد. زنده ماندن و موفقیت او در اجتماع تصادفی است، هیچ قانونی از این نهالهای کوچک زندگی حمایت نمیکند.

ژرژ هومن روزنامه نگار فرانسوی که چندی پیش به ایران آمده بود پس از بازگشت بهمن خود نوشت: «وضع کودکان در ایران حزن انگیز است. در سر هر کوچه ای، در هر خیابانی، در تمام کارخانه ها و کارگاهها شما با چهره های رنگ پریده و چشمان پر غم آنها روبرو میشوید. در هر شهری وقتی هنوز از اتومبیل پیاده نشده اید ناگهان دهها کودک زنده، کثیف و گرسنه شمارا در میان میگیرند و تقاضای کمک میکنند. آنها حاضرند بار سنگین شما را بر پشت نا توان خود حمل کنند، حاضرند چمدان های شما را ببرند. ماشین شما را بشویند، کفشهای شما را پاک کنند. آنها حتی بدون اجازه روی باهایتان می افتند و شروع به پاک کردن کفش های شما میکنند. خیل کودکان و لگد همه جا دنبال شما هستند. من در تهران در آبادان، کرمان، اصفهان و شیراز همه جا با گروهی از این کودکان روبرو بودم.»

کودک ایرانی از روزی که چشم می گشاید خود را با نظامی دغل و بیرحم روبرو می بیند. نظامی که در کمین خرد کردن هر کس است که باندازه کافی خنده گر، پولدار و قلدر نباشد. نظام خاکم هر گونه مقاومت روحی را در کودک میکشد و او را به یأس، اندوه، ناتوانی و سرنگرایی سوق میدهد.

متأسفانه هنوز میلیونها پندز و مادر ایرانی فقر و محرومیت خود را یک جریان ضرور و مقدر تلقی میکنند. بسیاری از موهبتان ما هنوز نمیتوانند تصور کنند چه تفاوت بزرگی بین زندگی آنها و زندگی در کشورهای مترقی وجود دارد.

ما می توانیم در سر زمین پر ثروت ایران زندگی مرفهی برای همه ایجاد کنیم. ما میتوانیم در صورت داشتن نظام اجتماعی مناسب در یک دوره نه چندان طولانی کلیه شرایط ضرور اولیه زندگی و پرورش را برای همه کودکان ایرانی فراهم سازیم. آنها را از مرگ زودرس، کار بی موقع، گرسنگی، بیسوادی، زندگی غیر صحتی و از تربیت نادرست نجات دهیم.

یازده سال پیش اعلامیه حقوق کودک به تصویب سازمان ملل متحد رسید. این اعلامیه دولتها را ملزم میدارد که شرایط رشد جسمی، فکری، اخلاقی و اجتماعی کودکان را فراهم آورند. این اعلامیه از جانب رژیم ایران نادیده گرفته شده است. پدران و مادران ایرانی میتوانند با مبارزه جمعی از دولت بخواهند که لا اقل مفاد این اعلامیه را رعایت کنند و موجبات تکامل سالم روحی و جسمی کودکان بجهن ما را تأمین نمایند.

۱. فروزان

## کارزار تازه رژیم...

دنباله از صفحه ۱

قابل تذکر است که از جهت بررسی عینی ایده نولوژیک داشتن موضع انقلابیگری کاذب (که برخورد با واقعیت صحت آنرا ثابت نمی کند) زمینه را بیشتر برای لغزیدن به مواضع رفرمیسم اپورتونیستی، در نخستین پیدایش شرایط لازم آن، فراهم می آورد. از این درس نیز نباید غافل شد.

ما در موقع خود از گروه چهارده نفری که پرویز نیکخواه در میان آنها بود بعلت آنکه قربانی خود سری رژیم بودند، با تمام وسایل خود مدافعه کردیم. این مشی اصولی ما بود. تذکار نکته فوق نیز بهیچوجه ناشی از آن نیست که ما از پدیده ای که روی داده خرسندیم. بر عکس پیدایش هر نوع سستی در صفوف اپوزیسیون ضد رژیم ما به تأسف عمیق ماست زیرا وسیله جدیدی برای جوارو جنجال تبلیغاتی و تاخت و تاز بدست رژیم میدهد.

هدف رژیم از این جنجال چیست؟ رژیم دو هدف اصلی را تعقیب میکند. از یکطرف میخواهد اعتبار و حیثیت جنبش انقلابی ایران را که دار کمنو به مبارزه ضد کمونیستی خود جهان تازه بدهد و بدین ترتیب قدرت مقاومت مبارزان بویژه جوانان را سست کند و یا در هم شکند. از طرف دیگر برای خود حیثیت و اعتبار دست و پا کند. ولی این هر دو تلاش بیهوده ای است، مگر میتوان تسلط امپریالیسم را بر اقتصاد و سیاست میهن ما، فقر و جهل و بیماری اکثریت عظیم هموطنان ما، فقدان بدهی ترین آزادهای دمکراتیک را در ایران و غارت و چپاول خاندان پهلوی و طبقه خاکم را پوشاند و رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیک کنونی را بگواهی تسلیم طلبان و مرتدان «آزاد و مستقل و مرفه» معرفی کرد؟

«اعتزافاتی» که در شرایط خفقان و زندان و شکنجه با فشار روحی و ترور فردی و عمومی گرفته شود چه تأثیری در قضاوت افکار عمومی مردم ایران دارد، که شب و روز با واقعیت تلخ و دردناک فقدان آزادی و استقلال و عدالت در میهن ما روبرو هستند؟ اگر گردانندگان رژیم خودشان را نخواهند گول بزنند، هیچ ایرانی صدیقی و شریفی را نمیتواند درباره ماهیت فاسد و ظالم خود به اشتباه بیندازند.

درهم شکستن جنبش انقلابی ایران هم غیر ممکن است. از گذشته دور صحبت نمیکنیم. حداقل ۱۶ سال است که رژیم محصول کودتا از یکطرف مبارزان انقلابی را تعقیب میکند و از طرف دیگر ضعیفان را به تسلیم و ارتداد وامیدارد.

پیش از بیست سال است که حزب توده ایران را «منحله» اعلام کرده اند، ولی روزی نیست که بشکلی از اشکال صحبتی از این «حزب منحله» در میان نباشد و لحظه ای نبوده است که پرچم مبارزه در راه آزادی و استقلال ایران بر زمین افتاده باشد. و این آرزو هرگز تحقق نخواهد یافت.

## بحرین و سیاست دولت ایران

دنباله از صفحه ۱

را چگونه تحلیل میکند.

نخست باید تصریح کنیم که حزب توده ایران، هوادار حق خود مختاری کامل تمام خلقها و ملتهاست و اعتقاد دارد که هر خلق و ملتی حق دارد که در باره سر نوشت خویش، تصمیم بگیرد و این تصمیم، محترم و متبوع است. ما با هر گونه اعمال قهر در حل مسائل ناشی از حقوق ملی مخالفیم و آنرا به عنوان یک عمل تجاوزکارانه شدیداً محکوم میکنیم.

بدین ترتیب استفسار نظر ساکنین بحرین را در مورد سر نوشت خویش امری صحیح می دانیم و نظر آنها را که هوادار استقرار قهر آمیز ایران بر بحرین بوده اند و هستند، مردود می شمردیم. ولی در این مورد باید متذکر شویم که عمل نماینده اوتسانت در بحرین، مراجعه به افکار عمومی مردم این مجمع الجزائر نبوده بلکه استفسار منفرد نظر سازمانها و افرادی بوده است که خود را نماینده مردم آنجا معرفی کرده اند. این نوع جدیدیست از رفتارند که بدلائل گوناگون نمیتواند مورد تأیید ما باشد. ولی در عین حال معتقدیم که اگر رفتارند واقعی هم در بحرین انجام میگرفت نتیجه، جز نتیجه ای که بدست آمده است نبود. بدین ترتیب، مخالفت ما بمعنی تردید در نتیجه نیست، بلکه اعتراض بشکل عمل است. و این اعتراض از آنجهت ضروری است که ممکن است در آینده در موارد دیگر، همین شکل بکار برود، و نتایجی در جهت عکس تمایلات مردم، بدست آید و باستناد سابقه مورد تأیید قرار گیرد.

اما عسل واقعی تصمیم دولت ایران نیازمند بررسی عمیق تری است. ساهاست که دولتهای ایران در مبارزه وسیعی که در خاور میانه بر ضد نفوذ امپریالیسم جریان دارد، در کنار نیروهای ارتجاع و هوادار امپریالیسم قرار دارند. در خاور میانه عربی،

اشتباه تاریخی طبقات خاکم ارتجاعی اینست که منافع طبقاتی چشمان آنها را کور میکند و در نتیجه نمیتوانند ببینند که تحول بنیادی در اجتماع، استقرار دمکراسی و سوسیالیسم یک ضرورت تاریخی و یک قانونمندی است. و هیچ زوری و هیچ فریبی نمیتواند از تحقق آن جلوگیری کند. راه انقلابیان البته دشوار و طولانی و بفرنج است. قربانی هم کم نیست. ولی بطوریکه تاریخ جنبش انقلابی مردم ایران نشان میدهد انقلابیان واقعی بر سر آرمانهای انقلابی خود جان شیرین فدا میکنند ولی هرگز تن به تسلیم و ارتداد نمیدهند و در فرجام مبارزه یعنی رسیدن روز آزادی نیز کمترین تردیدی ندارند.

پاسخ ما و همه مبارزان انقلابی ایران به جنجال تازه رژیم اینست: ما عمل ضعیفان و تسلیم طلبان و مرتدان را محکوم و آنها را از بین خود طرد میکنیم. ما ترور پلیسی و تبلیغات ضد کمونیستی رژیم را افشاء و مبارزه با آنرا تشدید میکنیم. ما با استحقاقی بیشتر

رژیم ایران، یار و هوادار کشورهای مرتجع عربی و هواداران استعمارگر آنها، و دشمن دولتهای ترقیخواه و ضد امپریالیست این منطقه است. در این سالها، همیشه دولتهای ایران کوشیده اند که ائتلافی از نیروهای ارتجاعی این منطقه بر ضد نیروهای ترقیخواه بوجود آورند و بدین ترتیب مبارزه ضد امپریالیستی نیروهای ترقیخواه عربی را از داخل مورد حمله قرار دهند. تاکنون بیوسه وجود ائتلاف بر سر بحرین، مانع ایجاد این ائتلاف از تجاعی بوده است و هر بار که دولتهای ایران، عربستان سعودی و کویت در این راه قهمی برداشته اند، بلافاصله بعلت ائتلاف بر سر بحرین بی ثمر مانده است. در سالهای اخیر، دولت ایران مکرر بر سر این دو راه قرار گرفت که یا از ائتلاف با نیروهای منطقه، بنفع ادامه ادعای خود بر بحرین چشم پبوشد، یا بحرین را فدای این ائتلاف کند. سرانجام «مصلحت» کوچکتر، یعنی ادامه ادعای بر بحرین فدای «مصلحت» بزرگتر، یعنی ائتلاف ارتجاعی با برخی از کشورهای منطقه شد و مانعی که بر سر راه بود کنار رفت.

بدین ترتیب تصمیم دولت ایران بهیچوجه حاکی از علاقه به «دموکراسی»، «رعایت حقوق و احترام به حق خود مختاری خلقها» و غیره نیست. بلکه ناشی از سیاست ارتجاعی دولت ایران است که با سماجت راه خود را دنبال میکند.

گذشته از این، «حل مسأله بحرین» نه تنها به ایجاد یک ائتلاف ارتجاعی در خلیج فارس کمک خواهد کرد، بلکه مقدمه ای خواهد بود برای استقرار نفوذ اقتصادی و سیاسی سرمایه داری در حال رشد ایران، در شیخ نشین های خلیج. دولت ایران با مراجعه به اوتسانت در حقیقت با یک تیر سه نشانه زده است:

بقیه در صفحه ۷

## تغییر شماره حساب بانکی

## پیک ایران

شماره حساب بانکی پیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی بشرح زیر تغییر یافته است:

Sweden  
Stockholm  
Stockholms Sparbank  
N: 0 400 126 50  
Dr. John Takman

و عزمی راسخ تر میکوشیم مشی انقلابی حزب توده ایران را در جنبش ملی و دمکراتیک ایران پیروز گردانیم.

آینده متعلق به مبارزان انقلابی است. ما آواز

### بحرین و سیاست دولت ایران

دنباله از صفحه ۶

۱ - ارائه مدرکی از علاقه خود به «دموکراسی و احترام به حقوق خلقها»  
 ۲ - تسهیل ایجاد یک ائتلاف ارتجاعی در خلیج فارس، بنفع امپریالیسم و بر ضد دولتهای ترقیخواه عربی و نهضت ضد امپریالیستی این منطقه  
 ۳ - ایجاد زمینه برای دست اندازی آتی سرمایه داری در حال رشد ایران به شیخ نشینهای خلیج و تبدیل آنها بمنطقه نفوذ سیاسی و اقتصادی و نظامی ایران  
 اما سیاست کشورهای امپریالیستی و در درجه اول انگلستان و امریکا را چگونه باید تحلیل کرد؟ انگلستان در سال آینده نیروهای نظامی خود را از منطقه خلیج فارس خارج خواهد کرد. ولی منافع استعماری انگلستان و امریکا و بالاتر از همه منافع نفتی انحصارات بزرگ نفتی آنها در این منطقه باقی خواهد بود. اسصارات نفتی امپریالیستی در منطقه خلیج فارس خواهان وجود یک محیط آرام و بی معارضند. آنها با هر تصمیمی در این منطقه که راه تکامل مبارزه ضد امپریالیستی را سد کند و منافع عظیم نفتی آنها را محفوظ دارد موافقت و از آن پشتیبانی میکنند.

حل مسأله بحرین، بدین شکل منطبق با منافع آنهاست، زیرا بدین ترتیب مانع بزرگی که در راه ائتلاف ارتجاعی دو کشور بزرگ این منطقه، یعنی ایران و عربستان سعودی وجود داشت از میان برداشته شده است. اکنون باید در انتظار بود که برای ایجاد جبهه مشترکی هر یک از این دو کشور، کویت و نه شیخ نشین خلیج فارس که در صدد ایجاد فدراسیونی هستند، قدمهای جدیدی برداشته شود. تردید نیست که حل مسأله بحرین، بمعنی از میان رفتن کامل تضادهای موجود میان دول این منصف، یا کشورهای امپریالیستی حامی آنها نیست. ولی بهر صورت، در شرایط کنونی، کوشش در جهت ایجاد یک ائتلاف ارتجاعی در سواحل خلیج فارس، بهترین وثیقه در راه تأمین مذاق انحصارات نفتی است. بلافاصله بعد از اعلام تصمیم شورای امنیت سازمان ملل متحد، دولت ایران یک هیئت «حسن نیت» بریاست معاون وزیر امور خارجه به بحرین اعزام داشت، این مقدمه شناسائی رسمی بحرین بعنوان یک کشور مستقل و ایجاد روابط سیاسی با آن است، تردید نیست که در آینده نزدیکی، دیپلماسی ایران فعالیت خود را میان کشورهای سواحل خلیج تشدید خواهد کرد. این فعالیت که زیر شعار اخراج استعمار از خلیج فارس انجام می گیرد در آخرین تحلیل چیزی جز کوشش در حفظ منافع اساسی استعمار در این ناحیه نیست. بهمین دلیل است که از گانهای محافل حاکمه انگلستان و امریکا، سیاست دولت ایران را با تمام قوا تأیید میکنند و توده های مردم این منطقه، به اقدامات رژیم ایران، با سوء ظن و تردید میگردند و آنرا بغال نیک نمی گیرند.

رامین

### دیدار جهانی جوانان در لنینگراد

خرداد - ۱۳۴۹

بناسبت سده لنین نمایندگان ۱۴۱ سازمان جوانان از ۹۶ کشور در لنینگراد، گهواره انقلاب اکبر گرد آمدند. در جلسه افتتاحی این دیدار که در طالار کنگره های مسکو تشکیل شد رفیق تیازلینکف دبیر اول سازمان جوانان کمونیست شوروی درباره لنین و پرورش انقلابی جوانان شوروی صحبت کرد.  
 پرفسور ۹۴ ساله پتروف یکی از همزمان لنین که از سال ۱۸۹۸ عضو حزب کمونیست شوروی است نیز در این جلسه سخنرانی نمود. دیدار جوانان در شهر لنینگراد بکار خود ادامه داد، در سمینارهای این ملاقات، دانشمندان شوروی درباره فعالیت لنین و حزب بلشویک و لنینسم در جهان معاصر صحبت کردند. در کنفرانس با شکوهی که با حضور بیش از ۴ هزار نفر تشکیل شده بود، نمایندگان جوانان جهان با مبارزان روزهای انقلاب اکبر آشنا شدند، یکی از انقلابیون که در حمله بکاخ زمستانی شرکت کرده بود در سخنرانی خود گفت، هنگام حمله بکاخ زمستانی باندازه ای قوی بودیم که همورای ماسصادی گلرله های دشمن را خفه کرده بود.

در هفته دیدار، جوانان جهان یکبار دیگر مطمئن شدند که در وجود جوانان پیشاهنگ شوروی و سازمان آبدیده و مبارز آنها که معمول لنین بهترین دوستان خود را دارند که تحت رهبری حزب کمونیست شوروی وظایف ملی و انترناسیونالیستی خود را قهرمانانه انجام میدهند. در جهان امروز داشتن دوستانی چون کمسولها افتخار بزرگی است. در این دیدار سخنگوی جوانان توده ای ایران درباره لنین و استفاده از آموزش او در فعالیت سیاسی و سازمانی در شرایط کنونی ایران صحبت کرد.

### در باره برخی مسائل مهم کشور

دنباله از صفحه ۲

برای سرمایه های خارجی و ورشکستگی عده کثیری از کسبه و پیشه وران شهرها و بدتر شدن باز هم بیشتر زندگی اکثریت مردم زحمتکش کشور ماست.  
 گروه دیگری از سرمایه داران آلمان غربی برای تشکیل کنسرسیوم سرمایه گذاری جدیدی بسوی ایران در حرکت اند تا سهم خود را از غارت منابع اقتصادی و بازارهای ایران دریافت دارند.  
 بدون تردید پدیده های جدید مزبور در اقتصاد ایران نه تنها بجل مضللات اقتصادی موجود یاری نخواهد نمود، بکنس بیش از پیش بر وخامت آن خواهد افزود و وضع اقتصادی کشور را وخیمتر و بحرانی تر خواهد ساخت.  
 (من این مصاحبه در روزهای ۸ و ۱۰ خرداد ۱۳۴۹ (۲۹ و ۳۱ ماه مه ۱۹۷۰) از رادیو پیک ایران پخش شده است.)

### بزهکاری از کجا سرچشمه میگیرد؟

موضوع «افزایش جرائم خردسالان و جوانان» یعنی رادر مطبوعات ایران برانگیخته است. علل گسترش این پدیده اجتماعی چیست؟ چه عواملی سبب گرایش بسوی جنایت میگردد؟ در سال ۱۳۴۸ در مقایسه با سال ۱۳۴۷ جرائم جوانان بیش از چهل در صد افزایش یافته است. رئیس شهربانی کل کشور در گفته گو باخبر نگاران جرایم مردم را از «یک خطر جدی برای جامعه ایران آگاه میسازد» و آنها را به مبارزه با «تهکاران جوان» فرا میخواند. او خانواده ها را مسئول میداند. بنظر او «افزایش جرائم جوانان تنها بعلمت عدم توجه خانواده ها به تربیت صحیح آنهاست.»

گروهی از «روانشناسان» و «مدد کاران اجتماعی» نیز بدون توجه به ریشه های اصلی بزهکاری در جستجوی علل آن، آشفته گی های خانوادگی، ناهنجاری های محیط تربیتی ناپیمنی، نرازل مبانی اخلاقی و انحطاط اصول و معتقدات عمومی را بپیان کشیده اند. آنها نیز مانند رئیس شهربانی بدون تعمق «خانواده های ناسالم را سرچشمه های بروز و گسترش بزهکاری خوانده اند.»

تعداد کسانی که با دید عمیق علمی باین پدیده ناهنجار اجتماعی نگریسته اند اندک است. دانش بورژوازی حقوقی بر این عقیده است که بعضی از افراد جانی بالفطره اند. سرشت آنها ناپاک است. شرور و بزهکارند و این خصیصه تحت تأثیر عواملی در آنها رشد یافته است. در چنین حالتی برای تنبیه آنان مقابله بمثل اعمال میشود. رفتار با آنها صورت قصاص داشت. در حالیکه در حقوق جزای تحول یافته امروز این نظر بکلی مطرود گردیده است. مردم ذاتاً منحرف نیستند آنچه که آنها را بسوی ارتکاب جرم سوق میدهد یکسلسله عوامل اجتماعی، روانی و عاطفی است. جامعه شناسان بورژوازی در حالیکه بعلم اجتماعی ناسازگاری جوانان اعتراف میکنند کوشش میورزند وازه فقر عاطفی را در مقابل فقر اقتصادی قرار دهند. بنظر آنها پهنه زمین خالی از محبت گردیده است. انسان دوستی از گیتی رخت برسته و خشونت جایگزین آن شده است. بامیان کشیدن این نظر آنها از یکطرف موضوع افزایش روزافزون جنایات رادر جوامع سرمایه داری توجیه میکنند و از طرف دیگر راه نسی اقتصادی افراد رادر این جوامع تبلیغ مینمایند.

بسیاری از روانکوان این حقیقت را پذیرفته اند که عوامل برونی روی عوامل درونی تأثیر میگذارد ولی درباره اینکه عوامل درونی کیبدهای روانی و عاطفی، خود از کجا سرچشمه میگیرند سکوت میکنند. تضادهای اجتماعی آشکار و نهان، نیازهای عاطفی اقتصادی و اجتماعی خاص جوانان بی توجهی جامعه به سر نوشت آنها و ناتوانی خانواده ها در بر آوردن عادی ترین خواسته های آنان انحرافات و تأثیرات محیط جرم را در پدیده آوردن جرائم جوانان مؤثر است.  
 سر شماری سال ۱۳۴۵ جمعیت ۱۵ تا ۲۴

ساله ایران را ۱۹۷۰، ۳۰۸۱۱ نفر نشان می دهد. از این عده فقط ۳۳۱، ۰۰۷۷۰ نفر سواد خواندن و نوشتن دارند. در اینجا میبینیم که دو سوم جوانان ما از نعمت سواد محرومند. از این عده نزدیک به ۴ میلیون جوان کمی بیش از ۹۵۰۰۰ نفر گواهینامه شش ساله ابتدائی دارند. تعداد جوانان لیسانسه ۳۰۶۰۸ نفر و فوق لیسانس ۳۲۵ نفر است. از جمعیت ۷ تا ۱۴ ساله کشور که ۳۰۱۹۸،۹۲۶ نفرند فقط ۹۴،۰۰۴۹۴ نفر مشغول تحصیلمند. یعنی دو سوم کودکان واجب التعلیم هنوز راهی مدرسه ندارند.

(کجهان ۲۷ آذر ۱۳۴۸)

و اما محیط خانوادگی ایران چگونه است؟ آمارهای موجود نشان میدهد: بیش از ۳۰ در صد خانواده ها بطور دائم با مسائل اقتصادی دست بگریانند. هفده در صد زنا شوئی هاهنوز از مردانی است که همسر دیگری در بحاله نکاح دارند. هر سال بیش از یک سوم از زناشوئی ها بطلاق میانجامد. زن ایرانی هنوز جای شایسته خود را در خانواده و اجتماع نیافته است. او موجودیست محروم و ستمکش. در چنین خانوادگی جوان ایرانی پرورش مییابد. یکی از استادان دانشگاه می نویسد: «گرفتاریهای فراوان زندگی اکثر خانواده های ایرانی را آنچنان بخود مشغول کرده است که دیگر نمیتواند به موضوع تربیت فرزندان خود عمیقاً پیاندد. اگر جوانان ایرانی حتی در خانواده خود شخصیت خوبشرا بسازد در برخورد با واقعیت های زندگی شخصیت او رنگ مییازد، نظام اجتماعی ایران برای گرگ کردن تا انسان ساختن استعداد بیشتر دارد.»

در بررسی ارتکاب جرم بد آموزیهای وسائل ارتباط جمعی (سینما، رادیو، تلویزیون و مطبوعات) را نیز نباید از نظر دور داشت. وسائل ارتباط جمعی نقش ویران کننده ای در روحه جوانان بازی میکنند. اکثر فیلمهایی که در سینماهای ایران نمایش میدهند جنائی است. روی پرده تلویزیون ایران هر شب دهها نفر بقتل میرسند، میکشند، میدزدند، غارت میکنند، برنامه های رادیوی ایران فساد انگیز است. مطبوعات ایران نیز اباشته از اخبار و مطالب جنائی است. محیط ایران جرم زا است. فساد حاکم در کشور نمیتواند در روح حساس جوانان تأثیر نگذارد.  
 جامعه ما با کندی بی تاب کننده ای پیش میرود. در حالیکه مقاومت و سرکشی در مقابل مناسبات موجود و ارزشهای حاکم در آن روز بروز فرونی میگردد، جامعه ایران گام در گمراهه سرمایه داری نهاده است. در این مرحله دشوار روح انطاف پدیدر جوانان دستخوش دگرگونی های جدیست. آنها به توجه بیشتر، آموزش عمیق و امکانات فراوان تر برای ساختن شخصیت خود احتیاج دادند. در حالیکه رژیم ایران در گیر و دار زنا و بده های خود هر روز سهم گفتری به آموزش و پرورش جوانان اختصاص میدهد. هادی

## حزب توده ایران

وارث معنوی حزب کمونیست ایرانست  
با جنبش کارگری و کمونیستی جهانی و در  
مرکز آن حزب کمونیست اتحاد شوروی نام  
برد.

در هر سه دوران نقش سازمان انقلابی  
طبقه کارگر در تاریخ کشور ما و در تحول  
مترقی آن نقشی مؤثر و نیرومند بوده است.  
سوسیال دمکراتهای ایرانی در تکامل مثبت  
جنبش مشروطه و کامیابهای آن نقش درجه  
اول داشته اند. کمونیستهای ایرانی در نهضت  
های وسیع پس از نخستین جنگ جهانی که  
منجر به تحولات مهم سیاسی و اقتصادی در  
ایران شد نقش فوق العاده مؤثر و فعالی بازی  
کرده اند. نقش جنبش توده ای در تحولات دهه  
های اخیر تاریخ و جامعه ایران روشن است.  
از آنچه که گفته شد چند نتیجه مهم  
میتوان گرفت:

۱ - تاریخ سازمان انقلابی طبقه کارگر  
در ایران تاریخی از لحاظ کیفی ممتد و متصل  
است که پیش از شصت سال اخیر را در بر  
میگیرد و از این جهت یکی از کهن ترین  
و پر سنت ترین تاریخهای جنبش کارگری  
حتی در مقیاس جهانی است زیرا جریان  
سوسیال دموکراسی انقلابی در کمتر کشوری  
سابقه دارد. در همین زمینه باید گفت که  
کشور ما یکی از پیشتازان ایجاد سازمان



رضاشاه - قسم پانجم کهنوشا برای من نصب نموده زید برتر  
از شاهزاده رعد در باره زید برتر و سایر بارها در باره زید برتر

کلیشه ای از نشریه «بیکار» ارگان حزب کمونیست ایران در اروپا که در سالهای ۱۹۳۱ - ۱۹۳۳ ابتدا در  
برلین و پس از توقیف و در جریان محاکمه ای که در نتیجه اعتراض رضا شاه انجام شد در وین منتشر میشد

مجاهدات درخشان انقلابی و فداکارهای  
قهرمانانه پدید آورده اند؛

۳ - سازمانهای طبقه کارگر طی این

مدت یکی از اهرمهای بسیار نیرومند تحول

مثبت در جامعه ایران بوده اند و تاریخ ایران

بدون ذکر نقش آنها خالی از محتوی است.

بریا داشت پنجاه حزب کمونیست

ایران در صورتی سودمند است که توجه همه

رفقا و هواداران حزب ما را به این نکات

انقلابی طراز نوین طبقه کارگر در آسیاست  
و از هر باره حق دارد که باین سنت غنی و  
طولانی و پر افتخار انقلابی خوش بیاید.

۲ - سازمانهای گوناگون طبقه کارگر

ایران طی این مدت مشی همانندی را از

جهت رادیکالیزم انقلابی در دفاع از استقلال

و دمکراسی و سوسیالیزم ایفاء کرده اند و از

جهت تاکتیک و شیوه مبارزه خود پیوسته

سازش ناپذیر بوده اند و نمونه های فراوانی از

## « ویتنامی کردن جنگ »

خوب نگاه کنید، ببینید در این جنگل سر سبز استوایی چه میگذرد: چند سرباز ویتنامی از ارتش ژنرال کی  
(که زمانی وجود چند هیتلر را برای ویتنام آرزو کرده بود) یک مجاهد جوان ویتنامی را (که علیه هیتلرهای ویتنامی  
می رزمند) در یک خمزه آب بتدریج خفه میکنند. منظره موحش و رعب آوری است که کاملاً جریبان « ویتنامی کردن جنگ »، شعار محبوب آقای ریچارد نیکسون را  
مجسم میکند. « ویت نامی کردن جنگ »: یعنی ویت نامی باید ویت نامی را بسود آمریکا بکشد، خفه کند، اسیر نماید، غارت کند. این قاعده دوزخی را آمریکا در همه جا عملی  
میسازد. در برزیل هم مبارزه طبقاتی بسود آمریکا برزیلی شده است و ژنرالهای برزیلی حتی کودکان مجاهدان آزادی برزیل را با شوک الکتریکی شکنجه و فلج می کنند. در  
یونان هم این مبارزه بسود آمریکا یونانی شده است. در ایران هم ایرانی است و شکنجه گران ایرانی ساواک بسود آمریکا مبارزان ایرانی را در زیر شکنجه میکشند. « ویت  
نامی کردن » جنگ! فرمول جالبی است. این شعار حتماً ناشی از علاقه ایست که ریچارد نیکسون با استقلال خلقها و جهان دارد! خوب باین عکس نگاه کنید! حقیقت شومی را مجسم میکنند.

